

تبلیغاتی انتخاباتی کاندیداها در روزنامه های زیرسانسور هم درج شده است). گرانی لوازم التحریر، که در آستانه بازگشایی مدارس در سال جاری هم شتاب افزونتری یافته است، به واقع بار سنگینی بر بودجه خانواده های کارگری و کارمندی و حتی اقشار متوسط جامعه تحمیل می کند. فهرست کمبودها در مدارس، خصوصاً در مدارس دولتی که اکثریت وسیع امکانات آموزشی موجود را تشکیل می دهند، فهرستی بسیار طولانی است که شرح آنها در این مختصر نمی گنجد. تنها می توان بطور کلی یادآور شد که این کمبودها، در غالب مدارس و در اکثر مناطق کشور، از میز و صندلی و کلاس گرفته تا آزمایشگاه، کتابخانه و لوازم ورزشی در سطح حداقل های ضروری را دربرمی گیرد. این قبیل نارسایی ها که طبیعتاً تاثیرات منفی پر دامنه ای در آموزش و پرورش نوباوگان برجای می گذارند، وقتی چشمگیر و فاجعه آفرین می شود که در نظر آورییم که جامعه ما، با توجه به امکانات بالفعل و بالقوه آن، از تامین وسایل و تسهیلات آموزشی فرزندان خود ناتوان نیست، این ناتوانی و درماندگی رژیم حاکم است که چنین سرنوشتی را بر نوباوگان و جوانان میهن ما تحمیل کرده و می کند.

محتوی و مضمون کتابهای درسی و مطالب آموزشی، سیاست هایی که جمهوری اسلامی طی دوره حاکمیت خود در زمینه آموزش و پرورش پیش برده و، بطور کلی، نظام حاکم بر آموزش ابتدائی و متوسطه کشور، خود دسته دیگری از معضلات و نارسامانی های موجود را تشکیل می دهند که مستقیماً با چگونگی آموزش و ادامه تحصیل، آتیه شغلی و زندگی اجتماعی فرزندان این سرزمین ارتباط می یابد. به عنوان نمونه ای از آنها، در این جا می توان اشاره کرد که مسئولان رژیم، از حدود ده سال پیش، طرحی را تحت عنوان "نظام آموزشی جدید" در سطح متوسطه به اجرا درآورده اند که مشکلات مضاعف آن برای دانش آموزان و خانواده ها و فرهنگیان، امروزه آشکار تر شده است، چنان که برخی از خود مسئولان دولتی هم باری دیگر موضوع تعویض نظام آموزشی را به میان کشیده اند، اما، نه در آن هنگام که طرح جدید راساً تهیه و اجرا شد و نه امروز که زرمه تغییر مجدد آن بلند شده است، هیچگونه نظرخواهی و مشورتی با معلمان و دانش آموزان و اولیای آنها انجام نگرفته و نمی گیرد.

نظام آموزشی به وجود نیآورده است. در آغاز مهرماه هر سال، سال تحصیلی جدیدی شروع می شود درحالی که همان معضلات و همان نابسامانی ها همچنان گریبانگیر دانش آموزان، خانواده های آنان، فرهنگیان و کل جامعه ماست. مشکلات آموزشی از همان مرحله یافتن مدرسه ای مناسب و ثبت نام فرزندان آغاز می شود. بویژه، در شهرهای پر جمعیت و مناطق حاشیه نشین شهرهای بزرگ از شدت بیشتری برخوردار است. جا به جایی ها، تغییر و یا تعطیل مدارس موجود و یا تبدیل آنها به مدارس پولی و "غیرانتفاعی"، مشکل مضاعفی برای والدین بچه هاست، چنان که تغییر محل آموزش فرزندان از این مدرسه به

حدود ۱۸ میلیون نفر از کودکان و نوجوانان ایران، به همراه یک میلیون نفر فرهنگیان کشور سال تحصیلی جدیدی را در اول مهرماه آغاز کردند. شروع سال جدید تحصیلی، معمولاً، با امیدها و آرزوهای تازه ای برای نوباوگان و جوانان جامعه و خانواده هاییشان همراه است و یا باید باشد، اما تداوم و یا حتی تشدید مشکلات و نابسامانی های نظام آموزشی موجود، از همان آغاز تدارک سال تحصیلی و از ابتدا تا انتهای آن، بیشتر بر ناامیدی ها و بی چشم اندازی ها دامن می زند تا به آرزوها و آینده ای روشن. با وجود تغییر دولت ها و تعویض وزیران و مسئولان در طول حاکمیت

سال تحصیلی جدید

و

مشکلات قدیم نظام آموزشی

آن مدرسه، و یا از این منطقه به آن منطقه، مستلزم صرف وقت بسیار و عبور از هفت خوان بوروکراسی ادارات و "ستاد" های ثبت نام برای آنان است. کمبود و یا گرانی کتاب های درسی، لوازم التحریر و وسایل کمک آموزشی، مشغله عمده دیگری برای اکثر خانوارهایی است که فرزندانشان در سنین تحصیلی هستند. با وجود این که تاخیرات طولانی در چاپ و توزیع کتاب های درسی - که در کنترل ارگان های دولتی است - از سال ها پیش مشکل گریبانگیر میلیونها دانش آموز، خصوصاً در شهرها و روستاهای دورافتاده بوده که پس از گذشت چند ماه از آغاز سال تحصیلی هنوز به کتاب های لازم دسترسی پیدا نمی کنند، با وجود وعده های مکرر مسئولان ذیربط درباره انتشار به موقع آنها این مسئله کماکان به قوت خود باقی است. پیداست که این امر نه بواسطه کمبود بودجه است و نه صرفاً زابیده عقب ماندگی تکنولوژیک، بلکه اساساً از بی کفایتی و فساد حاکم بر ارگان های حکومتی ناشی می شود (خبرهای مربوط به استفاده از کاغذهای اختصاص یافته به کتب درسی برای چاپ اوراق

جمهوری اسلامی، عمده مشکلات نظام آموزشی بر جای خود باقی بوده و به روی هم انباشته شده اند. باعث و بانی بخش بزرگی از همین اختلافات و نابسامانی ها، خود رژیم اسلامی است که طبعاً قصد رفع آن ها را نیز ندارد و پاره ای تلاش ها برای برخی اصلاحات محدود در این زمینه هم ناکام مانده است. اما، علاوه بر آن، سر درگمی و ندانم کاری معمول مسئولان به اضافه کشمکش های پایان ناپذیر دستجات حکومتی هم موجب آن شده است که، با وجود امکانات اقتصادی قابل ملاحظه ای که در اختیار دولت بوده است، برای ابتدایی ترین نیازها و مسائل آموزشی کودکان و نوجوانان جامعه هم چاره اندیشی صورت نگیرد به عنوان مثال، رشد سریع جمعیت در سال های بعد از انقلاب، کمبودها و نارسایی های بیسابقه ای در عرصه آموزش و پرورش نوباوگان ایران پدید آورده و از این نظر نیز صدمات زیادی بر جامعه ما وارد ساخت. لکن کاهش رشد جمعیت در سال های بعد، که مترادف با کاهش نسبی فشار کمبودها در سطوح آموزشی ابتدائی و راهنمایی بوده، نیز بهبود قابل توجهی در کل

سال تحصیلی جدید ...

ولی نابسامانی اساسی دیگر این نظام در ارتباط با فشر وسیع فرهنگیان است که، در هرحال، نقش اصلی را در ارائه خدمات آموزشی و تربیت کودکان و نوجوانان جامعه بر دوش دارند. همان طور که اعتراضات و تظاهرات گسترده معلمان در سال های اخیر هم بروشنی نشان داده است، شرایط کار و زندگی آموزگاران و دبیران، از آغاز حاکمیت رژیم اسلامی تا کنون و در اثر سیاست هانی که در دستگاه آموزش و پرورش کشور اعمال شده و می شود، با محدودیت ها و دشواری های فزاینده ای روبرو گشته است. علاوه بر فشارها و کنترل های سیاسی، عقیدتی و فرهنگی که بر آنها تحمیل می گردد، این واقعیت کاملاً عیانی است که حقوق ماهیانه یک معلم

به هیچ وجه تکافوی حداقل هزینه های زندگی او را نیز نمی کند. بی جهت نیست که بسیاری از آنان، جهت تامین حداقل معاش خویش، به "چند پیشگی" و یا شغل های دوم و سوم، روی می آورند. چنین شرایطی، به ناگزیر، کیفیت و کارآرایی خدمات آموزشی را باز هم پایین می آورد. نتیجه بلاواسطه مشکلات و مسائل مزمن بر شمرده در بالا و دیگر نارسایی های موجود در نارسایی نظام آموزشی ایران، محرومیت گروه وسیعی از نوجوانان از آموزش، افت تحصیلی، تنزل مستمر کیفیت آموزشی، انباشته شدن باز هم بیشتر دیپلمه های بیکار، که نه امکان ادامه تحصیل می یابند و نه شغلی در بازار کار موجود، تشدید عقب ماندگیهای علمی و فنی جامعه، ... است و این دور باطل همچنان تداوم می یابد. فرهنگیان و فراتر از آنها، کودکان، جوانان و نسلهای آینده، و نهایتاً کل جامعه ماست که با ادامه این وضعیت، خسارت بسیار سنگینی را

متحمل می شود. در این شرایط نمی توان انتظار داشت که رژیم حاکم عملاً گامی در جهت رفع این نابسامانیها بردارد اهمیت امر آموزش چنان است که نمی توان آن را به امید سیاست ها و بی سیاستی های دستگاه آموزش و پرورش رها کرد. گروه محدودی از خانواده ها، با بهره گیری از امکانات خودشان و یا با صرفه جویی های دشوار، می کوشند که برخی کمبودهای این نظام را تا اندازه ای جبران و نیازهای آموزشی فرزندان خود را به نحوی تامین نمایند. اما، در این عرصه هم، نیاز به اقدامات جمعی و هماهنگ کاملاً مشهود است. برای مقابله با معضلات نظام آموزشی و تخفیف مشکلات آن، تلاش برای ایجاد و تقویت نهادهای مستقل صنفی معلمان، تشکلهای آزاد دانش آموزان، و نظارت و مشارکت واقعی والدین در امور مدارس و موسسات آموزشی، بیش از پیش ضرورت می یابد.

چند دروغ...

از صفحه ۶

داد ، ولی این دلیلی برای این ادعا که اپوزیسیون مذهبی در دوران حکومت پهلوی ها یکه تاز بود، نیست و نبوده است . همچنین باید به نویسنده این مقاله و تمامی روزنامه نگاران دوم خرداد متذکر شد که بسیاری از چهره های کنونی اپوزیسیون غیر مذهبی رژیم را همان فعالین سیاسی زمان شاه و جوانانی که در زمان شاه حرفی برای گفتن داشتند ، تشکیل می دهند . مصادره انقلاب توسط نیروهای مذهبی و استقرار دیکتاتوری خشن مذهبی ، زندان و شکنجه و قتل دگراندیشان به ناچار بسیاری از اینان را که سال ها در زندان های رژیم شاه به سر برده بودند، مجدداً راهی زندان ها و یا مهاجرت به خارج کرد .

اما یک نکته در این نوشته وجود دارد و آن این است که چنان مردم از این حکومت و هر آنچه در آن است، دل بریده اند که مغرض ترین آدم های رژیم هم ناگزیر به اعتراف شده اند . واقعیت چنان عیان است که حتی کسی را که به راحتی تاریخ معاصر ، که هنوز در حافظه مردم زنده است، تحریف می کند، ناگزیر ساخته تا بپذیرد که «قدرت طلبی ها ، خود محوری ها ، کژاندیشیها و تحجرهای ما برای لوس -

آنجلس نشینان مخاطب می آفرینند.» و اعلام کند که « مگر هزینه شادی چقدر است که دیگران را شارژ کرده ایم تا درست روی این نقطه انگشت بگذارند و گستاخانه مدعی جوانان پاک و با شعور این سرزمین بشوند؟»

یقیناً نه آخوند های تلویزیون های تهرانی و نه سلطنت طلبهای تلویزیون های لوس آنجلسی ، هیچ یک نمی توانند مدعی جوانان این مرز و بوم باشند . جوانان این مرز و بوم به دنبال آزادی و دموکراسی هستند . مردم ایران به دنبال آزادی و دموکراسی هستند . آزادی که شعار انقلاب بزرگ ضدسلطنتی آنها بود و توسط حکومت مذهبی به یغما برده شد. این خواست از زمان انقلاب مشروطه بوده و تاکنون به قوت خود باقی مانده است. نه پنجاه سال حکومت سلطنتی مطلقه پهلوی ها و نه حکومت مطلقه ولی فقیه کنونی هیچ یک قادر به از بین بردن این خواست مردم نبوده و نخواهد بود.

اما نکته تلخ این واقعیت در این است که در مقابل حکومت قرون وسطایی جمهوری اسلامی ، میدان چنان خالی است که بازماندگان استبداد شاهی و هواداران بازگشت به سلطنت جانی تازه می گیرند و با استفاده از

امکانات بی شمار خود ، یکه تازی کرده و مدعی حکومت می شوند . اپوزیسیون لائیک ، دموکراتیک و سوسیالیست نیز همچنان ، چون یک صد سال گذشته، در راه استقرار حکومتی دموکراتیک در ایران مبارزه می کنند و در پراکندگی کامل کمترین نتیجه را بدست می آورند . نمی توان گفت که حاصل کار این بخش از اپوزیسیون هیچ است . امروز گفتمان دموکراسی و آزادی در جامعه ایران به گفتمان اصلی مردم تبدیل شده است . ولی بین گفتمان و راه های استقرار آن اختلاف بسیار است و اتفاقاً در همین جا است که فرصت طلبان و مصادره کنندگان تاریخ، با چهره دمکرات و آزادی خواه به میدان آمده و پس از پیروزی چهره واقعی خود را به نمایش می گذارند . سال ها قبل خمینی در پاریس اعلام کرد که حتی کمونیست ها هم می توانند آزادانه فعالیت کنند و امروز رضا پهلوی دوم گفتار از دموکراسی و برقراری حکومت دموکراتیک در ایران می کند . کاستی کنونی وجود یک اپوزیسیون دموکراتیک است. اجزاء این اپوزیسیون موجود است. اما این اجزاء تاکنون نتوانسته اند ، به شکل یک جمع واحد ، گفتار دموکراسی در ایران را به گوش مردم برسانند، امید بیافرینند و چهره آینده دموکراتیک جامعه ایران را تصویر کنند . در راه غلبه بر این کاستی باید کوشید .